

شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

سعید پیرمحمدی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۰۳

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۱۰

صفحات مقاله: ۳۴ - ۰۹

چکیده:

بهره‌مندی از طیف متنوعی از گزینه‌های سخت و نرم در سیاست دفاعی کشورها، بسترساز آزادی عمل بیش‌تر خواهد بود که می‌توان از دیپلماسی دفاعی به‌عنوان سازوکاری برای بهره‌گیری از قدرت نرم استفاده کرد. در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، به‌رغم تلاش‌ها و اقدام‌های وسیعی که در سال‌های اخیر به‌منظور بهره‌گیری از قدرت نرم در حوزه‌ی دفاعی انجام گرفته، ولی با فقدان چارچوب منسجم دیپلماسی دفاعی مشهود باید با شناخت شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، تأملی شناختی در ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی کشور صورت گیرد.

بنابراین، مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوا با بررسی این روندها، نشانه‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را در پرتو شاخص‌هایی مانند برخورداری از اقتدار معنوی، استقلال و عدم تعهد به قطب‌های قدرت جهانی، الهام‌بخشی، میراث فرهنگی، مردمی‌سازی دفاع در قالب دکترین دفاع همه‌جانبه، هویت اسلامی-ایرانی و یکپارچگی ملی، سوابق افتخارآمیز دوران دفاع مقدس و بازدارندگی نرم را بررسی مورد بررسی قرار داده است.

* * * * *

واژگان کلیدی

شاخص‌های قدرت نرم، دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، دفاع همه‌جانبه، مردمی‌سازی دفاع، عدم تعهد،

الهام‌بخشی، بازدارندگی نرم.

مقدمه

به‌کارگیری دیپلماسی در حوزه‌ی دفاعی، روندی نظام‌مند در قالب تولید و کاربست قدرت نرم به‌منظور پیشگیری و مقابله با تهدیدهایی است که یک واحد سیاسی با آنها مواجه می‌گردد. از این جهت، دیپلماسی دفاعی را می‌توان بخشی از قدرت ملی دانست که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور در روابط خارجی (دو و چندجانبه) را تشکیل می‌دهد. تشخیص اینکه دیپلماسی دفاعی باید در کدام کشورها به کار گرفته شود، بر پایه‌ی اولویت‌ها و چارچوب‌های کلان سیاست خارجی و معیارهای آن است و بر این مبنا، ممکن است میان همکاری‌های نظامی و دیپلماسی دفاعی، مرزی به‌وجود آید. از طرف دیگر، ایفای نقش نظام‌مند دیپلماسی دفاعی مستلزم وجود منابع ملی تعیین‌کننده‌ی برنامه‌ها یا دستورکارهای دیپلماسی دفاعی است. این منابع شرایطی را فراهم می‌سازد که می‌تواند تا حد زیادی تضمین کند که برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که تحت دیپلماسی دفاعی دنبال می‌شوند، در خدمت و در راستای سیاست ملی هستند. در چنین شرایطی است که یک کشور می‌تواند از ظرفیت قدرت‌افزایی دیپلماسی دفاعی در ترکیب با دیگر ابزارهای قدرت ملی بهره‌گیرد. (Asgari, 2012: 177)

دیپلماسی دفاعی در سال‌های اخیر و به‌ویژه از دهه‌ی ۱۹۹۰، به‌عنوان مجرای نوینی از مراودات بین‌الدولی که دربردارنده‌ی کارویژه‌های متعدد و متنوعی است، از منزلت ویژه‌ای برخوردار گردیده و به‌صورت مشخص در طرح‌ریزی کارویژه‌های وزارت دفاع اغلب دولت‌ها، تعریف و تبیین شده است. نظر به چنین اهمیت و جایگاهی است که برخی کشورها نسبت به تنظیم و تدوین راهبرد در این عرصه مبادرت نموده‌اند. در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، اگرچه تاکنون سند مشخص و مدونی در حوزه‌ی دیپلماسی دفاعی منتشر نگردیده، اما جمهوری اسلامی ایران در ادبیات راهبردی خود به شکل صریح نسبت به درک دیپلماسی دفاعی و جایگاه آن در هدایت امور امنیت ملی اذعان داشته (ساعد و علیدوستی، ۱۳۹۰: ۹۹)، به‌نحوی که از زمان طرح این مفهوم در دوره‌ی مسئولیت دریابان شمشخانی، به‌کرات از جانب

مقامات رسمی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. از این‌رو، لازم است تا ضمن رعایت سلسله‌مراتب و هم‌چنین اصول و اهداف راهبردی کشور، بسترهای لازم برای بهره‌برداری از فرایندهای قدرت نرم در حوزه‌ی دفاعی را به‌وجود آورد.

بر این اساس، هدف اصلی مقاله‌ی حاضر بررسی و تبیین شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به‌منظور تحقق هدف طرح‌شده، نوشتار حاضر براساس الگوی توصیفی - تحلیلی در سه بخش اصلی سازماندهی شده است. بخش اول به مفهوم‌شناسی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی و شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن اختصاص یافته و دومین بخش نیز به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و در نهایت، در بخش سوم با بهره‌گیری از ساختار تفکر دفاعی کشور به شناخت و استخراج شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران مبادرت می‌کنیم.

قدرت نرم دیپلماسی دفاعی: مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

برای مدت زمان بسیار طولانی این باور رایج بود که «دیپلماسی، اولین خط دفاع و دفاع، آخرین خط دیپلماسی» است. بر این اساس، دیپلمات‌ها وظیفه‌ی اصلی را در تأمین منافع و امنیت ملی یک کشور بر عهده داشتند و نظامیان تنها باید زمانی وارد عرصه‌ی دیپلماسی می‌شدند که همه‌ی روش‌های غیرنظامی به شکست انجامیده باشد (قدرت نظامی به‌عنوان آخرین اهرم^۱). از این‌رو، میان دیپلماسی به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار سیاست خارجی و دفاع به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار سیاست دفاعی، خط و مرز مشخصی وجود داشت و ورود حوزه‌ی دفاعی و نظامی در عرصه‌ی دیپلماسی اغلب با بی‌اعتمادی دیپلمات‌ها نسبت به این امر همراه بود. این همان رویکرد سنتی به موضوع جنگ و دفاع بود که در تمامی قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم بر روابط بین‌المللی حاکم بود. (قهرمانپور، زمستان ۱۳۸۵: ۲)

پایان جنگ سرد به‌منزله‌ی فرایندی محسوب می‌شود که تغییرات چشمگیری را در محیط امنیتی بین‌الملل به‌وجود آورد. بر این اساس، با دگرگونی کارویژه‌های دیپلماسی دفاعی در

۱. last resort

عرصه‌ی سیاست بین‌الملل، زمینه مناسبی برای گسترش همکاری‌های مختلف میان کشورها از جمله در حوزه‌ی نظامی و دفاعی فراهم شد و در نتیجه کشورها مأموریت‌های جدیدی را برای ارتش و نیروهای دفاعی خود تعریف کردند. (Koerner, 17 May 2006) بر این مبنای، کارکرد نیروهای مسلح فقط محدود به دوران جنگ و دفاع نبوده، بلکه نقش آفرینی مؤثر آنها در زمان صلح نیز می‌تواند به تأمین منافع و هدف‌های ملی کشور کمک کند. از این جهت، دیپلماسی دفاعی را می‌توان به‌عنوان مجرای برای برقراری «همکاری نظامی میان کشورها در زمان صلح» تعریف کرد. (Cottey and Foster, 2004: IV) همان‌طور که «سون تزو»، ۲۴۰۰ سال پیش، گفته بود افروختن جنگ، بسیار آسان‌تر از خلق صلح است. از این‌رو، «پیروزی بدون جنگ» بیش‌ترین مطلوبیت راهبردی را برای کشورها به‌همراه دارد. از این زاویه، سیاستمداران و راهبردهای پرآزانی که به موفقیت بیش‌تری نائل آمده‌اند، عموماً در برنامه‌ریزی دفاعی و امنیتی خود بر مؤلفه‌های نرم‌افزارانه تأکید بیش‌تری داشته‌اند. (ترابی، تابستان ۱۳۸۹: ۴۲)

در سطح دیگری می‌توان میان دیپلماسی دفاعی «سستی» و «جدید» قائل به تمایز شد. دیپلماسی دفاعی سستی مبتنی بر «سیاست قدرت» بود که بر توازن قوا و پیگیری منافع ملی (مبتنی بر تعریف مضیق از آن) تأکید داشت. در این نوع دیپلماسی دفاعی، دولت‌ها همکاری‌های دفاعی را برقرار کرده و کمک‌های نظامی را به‌منظور ایجاد ضد موازنه^۱ یا بازدارندگی دشمن، حفظ فضای نفوذ، حمایت از رژیم‌های دوست در سرکوب مخالفان داخلی خود یا پیشبرد منافع تجاری خود فراهم می‌نمودند. در حالی که در دیپلماسی دفاعی جدید بر تعامل با دشمنان بالقوه، حسن زمامداری و حقوق بشر و توانمندسازی دولت‌ها برای مواجهه با مشکلات امنیتی خود تأکید دارد. دیپلماسی دفاعی جدید به‌عنوان شاخه‌ی نظامی دیپلماسی عمومی^۲ ظهور یافته که مبتنی بر درک افزایش هماهنگی و همگرایی اشکال نظامی و غیرنظامی ارتباطات راهبردی به‌واسطه‌ی دیپلماسی عمومی است. در واقع، دیپلماسی دفاعی جدید می-

۱. Counterbalance

۲. public diplomacy

پذیرد که اهداف قدرت سخت می‌تواند به وسیله‌ی ابزارهای قدرت نرم به دست آید. (Cottey and Forster, 2004; Weng, 2010: 6; Copeland and Potter, October 2008: 283-284)

ه اعتقاد طرفداران نظریه‌ی قدرت نرم، یکی از نیروها و نهادهایی که می‌تواند نقش مهمی در روند تولید و ارتقای قدرت نرم ایفا کند، ارتش و نیروهای مسلح می‌باشد. نظریه‌پردازانی مانند «جوزف نای» بر این اعتقادند که علاوه بر زمینه‌های قدرتی که از طریق قابلیت‌های قدرت سخت ایجاد می‌شود، نیروی نظامی دامنه‌ی وسیعی از فعالیت‌ها شامل تبادلات افسران، آموزش‌های مشترک و برنامه‌های همپاری با سایر کشورها را در زمان صلح بر عهده دارد. فعالیت‌های دفاعی یادشده می‌توانند فرایند دستیابی به قدرت نرم را تسهیل و تسریع نمایند. بر این اساس، در کنار کارویژه‌ی سنتی «تبدیل همه‌ی ظرفیت‌های بالقوه به بیش‌ترین مقدرات سخت‌افزاری»، نیروهای نظامی، گاهی اوقات می‌توانند از رهگذر ایجاد تعاملات گسترده میان کشورها در دوران صلح، در فرایند تولید قدرت نیز سهیم باشند. (نای، ۱۳۸۹: ۲۰۶) تحت این شرایط، یک نیروی نظامی خوب اداره شده می‌تواند به‌عنوان منبعی از جذابیت به‌شمار آید (قدرت نظامی به‌عنوان سازوکار تولید قدرت نرم).^۱ نظر به چنین اهمیت و جایگاهی است که اغلب کشورها در صددند تا قدرت سخت را به قدرت نرم، زور را به قانون و قدرت را به اقتدار مشروع تبدیل نمایند.

نظر به ماهیت نرم قدرت دفاعی است که می‌توان از «قدرت نرم دیپلماسی دفاعی» سخن گفت. در حوزه‌ی ادبیات قدرت نرم دیپلماسی دفاعی، بررسی‌های نگارنده حاکی از آن است که به جز نوشته‌ای در ارتباط با میانمار (Weng, June 2010)، هنوز پژوهش مستقلی در این باب به انجام نرسیده است. در کشورمان نیز با وجود متون فراوان در حوزه‌های «قدرت نرم» و «دیپلماسی دفاعی»، هنوز نوشته‌ی مستقلی در زمینه‌ی ارزیابی شاخص‌ها و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی دیپلماسی دفاعی منتشر نشده است که مؤید اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر است. تبیین و بررسی شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی

۱. البته باید توجه داشت که منابع نظامی قدرت اگرچه از قابلیت تقویت قدرت نرم یک بازیگر برخوردارند، اما ممکن است باعث از بین رفتن قدرت نرم گردند و آن زمانی است که منابع مزبور به‌گونه‌ای نامناسب به‌کار گرفته شوند.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان هدف اصلی پژوهش حاضر در درجه‌ی نخست مستلزم شناسایی شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی می‌باشد. بر این اساس، شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی را می‌توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

الف) یکی از شاخصه‌های سنجش قدرت نرم دفاعی کشورها را می‌توان میزان برخورداری از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی^۱ دانست. امروزه سرمایه‌ی اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از انواع دیگر سرمایه (سرمایه‌ی فیزیکی، سرمایه‌ی مالی، سرمایه‌ی انسانی) به‌خصوص در زمینه‌ی افزایش اعتماد و وفاداری ملی به دولت، ارتقای جاذبه‌ی جهانی، تقویت مشروعیت سیاسی، مشارکت، ثبات، پاسخگویی، روحیه‌ی ملی دولت‌ها و تحول در کارکردهای نظام سیاسی ایفا می‌کند؛

ب) دیپلماسی دفاعی اقدامی آشکار برای امنیت‌سازی و گسترش ثبات محسوب می‌شود. چنین روندی از راه نقش‌آفرینی مقامات نظامی و دفاعی شکل می‌گیرد. امنیت پایدار، مستلزم توجه به تمامی وجوه امنیت است. یکی از الزام‌های نیل به وضعیت امنیت پایدار، برخورداری از قدرت دفاعی مناسب و توان بازدارندگی مؤثر و قابل اتکا می‌باشد تا بدین وسیله مانع از عملی شدن تهدیدهای خارجی گردید. برقراری روابط «مؤثر» و «سازنده» با سایر کشورها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، روند دستیابی به امنیت پایدار را تسهیل می‌سازد؛

ج) دیپلماسی دفاعی مبتنی بر ارتقای سطح همکاری‌های دفاعی است. الگوی تعامل در دیپلماسی دفاعی مبتنی بر تعامل چندجانبه با بازیگران دولتی و غیردولتی به‌منظور تحقق اهداف راهبردی می‌باشد. به هر میزان سطح تعامل مؤثرتر باشد، نتایج بهتری را به‌دنبال دارد.

د) دیپلماسی دفاعی را می‌توان به‌عنوان اقدامی در راستای به حداکثر رساندن منافع ملی و گسترش ثبات منطقه‌ای دانست. به عبارتی، اگر زمینه‌های وقوع منازعه‌ای شکل گرفته

۱. Social Capital

باشد، دیپلماسی دفاعی می‌تواند با میانجی‌گری، مانع از وقوع آن منازعه شود.

(Cottey and Forster, 2004)

ه) دیپلماسی دفاعی با هدف و آرمان یک کشور سروکار دارد. هدف و آرمانی که در راهبرد کلان ملی نهفته است. بنابراین، دیپلماسی دفاعی خصوصیت هم‌تکمیلی دارد. این مفهوم می‌تواند تمامی گونه‌های رفتاری از انعطاف‌پذیری تا برخورد را در درون خود داشته باشد، بدون آن‌که آن را به حوزه‌ی سخت‌افزاری سوق دهد؛

و) کشورها در برخی از موارد با مشکل عدم درک مناسب و صحیح از واقعیت مواجه‌اند که در بخش‌هایی از جمله در حوزه‌ی دفاعی چهره‌ی پوشیده‌تری به خود می‌گیرد. تحت این شرایط، دیپلماسی دفاعی یک عنصر امنیت‌ساز به‌شمار می‌آید و چنین کارویژه‌ای از راه ایجاد ادراک متقابل میان کشورها و روش‌های مسالمت‌آمیز همراه با عنصر مدیریت فراهم می‌شود. از سوی دیگر، شفافیت‌سازی و درک متقابل، پیوند وثیقی با اعتمادآفرینی دارند. چنین شرایطی را باید متضمن تقویت همکاری‌های دفاعی و در نتیجه، ارتقای قدرت نرم کشورها دانست. به‌عبارتی در پرتو فعال‌سازی سازوکارهای دیپلماتیک در حوزه‌ی دفاعی و امنیتی می‌توان امکان ایجاد تحول اساسی در برداشت‌ها، نگرش‌ها و ساختارهای بین‌الذهانی را به‌وجود آورد. از این جهت، دیپلماسی دفاعی را «خلع سلاح‌کننده‌ی اذهان» دانسته‌اند (UK Ministry of Defense, 2001: 4)؛

ز) دیپلماسی دفاعی یکی از راه‌های کسب منافع و امنیت ملی است. این مفهوم به معنای کاربرد دیپلماسی در حوزه‌ی دفاع به‌منظور بالا بردن سطح تعاملات همکاری‌جویانه میان کشورها محسوب می‌گردد؛

ح) بخشی از دیپلماسی دفاعی ماهیت پنهانی دارد. این امر به مفهوم شرایطی است که بر اساس آن، زمینه‌ی همکاری برای امنیت‌سازی مؤثر به‌وجود می‌آید. از آنجا که دفاع و امنیت ماهیت یکسان دارند، از این‌رو، دیپلماسی دفاعی می‌تواند به صورت شکل‌بندی‌های آشکار و پنهان انجام شود؛

ط) دیپلماسی دفاعی بخشی از نظام‌های کلی دفاع و امنیت کشور است. منظور از این امر، نظام‌های کلان ملی است که راهبرد امنیت ملی را تبیین می‌نماید و دیپلماسی دفاعی نیز موتور محرکه‌ی آن در حوزه‌ی نرم‌افزاری است؛

ی) دیپلماسی دفاعی بر به‌کارگیری روش‌های همکاری جویانه و رویکردهای مبتنی بر امنیت متقابل از راه همکاری، موازنه و اعتمادسازی تکیه دارد. این امر نوعی روند همکاری دیپلماتیک بر اساس سیاست تنش‌زدایی است؛

ک) دیپلماسی دفاعی سعی در جایگزین کردن ثبات به‌جای تنش دارد. به‌نوعی می‌توان نظریه قدرت نرم دیپلماسی دفاعی را یک نظریه‌ی ثبات‌محور دانست که افزون بر پیشبرد سیاست‌های کلان ملی، بستر مناسبی برای مدیریت محیط امنیتی به‌شمار می‌رود؛

ل) دیپلماسی دفاعی تلاش دارد تا زمینه‌ساز نیل به ادراکی مشترک و نگرشی واحد نسبت به تهدیدها و خطرات گوناگونی شود که محیط امنیتی را تهدید می‌کنند. این موضوع می‌تواند علاوه بر یکسان‌سازی نگرش، یکسان‌سازی روش‌های پرداختن به آسیب‌پذیری و تهدیدها را نیز باعث گردد؛

م) توسعه‌ی فناوری نرم و تحرک دیپلماسی دفاعی را می‌توان به‌عنوان یکی از ضرورت‌های دستیابی به بازدارندگی نرم دانست. در چنین وضعیتی، دستیابی به توان بازدارنده از طریق اقناع کردن و ایجاد حس اعتماد و رضایت‌مندی در مخاطب تعقیب می‌شود.

اصول و مبانی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارای اصول و مبانی مشخصی است که تعیین‌کننده‌ی چارچوب‌ها می‌باشد. هر یک از این اصول بخشی از اجزا و محورهای قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند. آموزه‌های دینی و سیره‌ی گفتاری و رفتاری ائمه‌ی معصومین^(ع) در کنار قانون اساسی کشور، اندیشه‌ی دفاعی حضرت امام خمینی^(ره) و اندیشه‌ی دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان خاستگاه اصلی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی

جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. بر این اساس، امکان شناسایی اصول و مبانی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آید. در ادامه به اصول قابل طرح در حوزه‌ی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌گردد:

اصل نفی سبیل و عزت اسلامی

اصل اول قدرت نرم دفاعی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نفی سلطه‌گری و سلطه-پذیری دانست که از قاعده‌ی نفی سبیل در اندیشه‌ی دفاعی اسلامی نشأت می‌گیرد. این اصل برگرفته از آیه‌ی ۱۴۱ سوره‌ی نساء «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» می‌باشد. مفهوم قاعده‌ی نفی سبیل این است که خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته است و هرگونه راه تسلط کافران بر مسلمین را بسته است. بر این اساس، مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

"شناختن دیپلماسی خود را مقابله با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده‌ی سلطه-گر- سلطه‌پذیر می‌دانیم." (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران در دیگر کشورها، ۱۳۸۶/۵/۳۰)

اصل التزام به پیمان‌ها و احترام به قراردادهای

دیپلماسی دفاعی دربرگیرنده‌ی اقداماتی است که نتیجه‌ی آن در بیش‌تر موارد به تنظیم موافقتنامه‌ها و امضای اسناد همکاری منجر می‌گردد. بر این اساس، دیپلماسی دفاعی تنها پس از نهایی شدن موافقتنامه‌های همکاری آغاز می‌شود. تحت این شرایط، برخورداری اسناد همکاری دیپلماسی دفاعی از ضمانت اجرایی، جایگاه ارزنده‌ای در عملیاتی شدن موافقتنامه‌های بازیگران دارد. دین مبین اسلام و به‌موازات آن الگوی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، به‌شدت بر وفای به عهد و پیمان تأکید دارند. (عسگری و سعیدکلاهی، ۱۳۹۱: ۱۲)

دفاع از کیان اسلام و مسلمانان با تأکید بر وحدت جهان اسلام

مبارزه با استکبار و پشتیبانی از مستضعفان در برابر مستکبران مستلزم آن است که جمهوری اسلامی به حمایت و دفاع از کیان اسلام و حقوق مسلمانان مبادرت کند؛ چراکه در حقیقت همه‌ی مسلمانان و کلیه‌ی جوامع پراکنده‌ی اسلامی اجتماع و امت واحدی را تشکیل می‌دهند که دولت اسلامی مکلف به حمایت و دفاع از آنهاست. نظر به چنین اهمیتی است که دعوت به وحدت در اسلام مورد توجه خاصی قرار دارد و به‌موازات آن، تفرقه و تشتت مؤمنان و مسلمانان مورد نکوهش قرار گرفته است. از این منظر، یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان، نادیده گرفتن این اصل اساسی در روابط و مناسباتشان می‌باشد. در واقع، به همان نسبتی که وحدت جهان اسلام تضعیف گردد، دشمنان با دامن زدن به شکاف‌های نژادی، قومی و مذهبی سیطره‌ی خود را بر جهان اسلام گسترش داده‌اند. از این‌رو، مقام معظم رهبری نیل به وحدت در پهنه‌ی جهان اسلام را لازمه‌ی حل معضلات جهان اسلام و غلبه بر جهانخواران دانسته‌اند:

"امروز بیش از هر چیز در امت اسلامی اتحاد لازم است." (بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم (ص) و هفته وحدت، ۱۳۹۰/۱۱/۱۱)

تعامل برتوساز مبتنی بر احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر

مبانی اسلامی اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، اصل اعتزال است. سیاست اعتزال در ادبیات دینی مرادف با عدم مداخله است. از آیات ۹۰ و ۹۱ سوره‌ی نساء به‌عنوان مستند اصل مزبور چنین برداشت می‌شود که عدم مداخله در امور داخلی کشورها به‌صورت متقابل است. هم‌چنین، اعتزال به‌معنای بی‌تفاوتی و بی‌توجهی و انزوآگرایی در سیاست خارجی نیست. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۸) بر این اساس، امام خمینی^(ره) برقراری روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران را ندارند، امری اساسی در دیپلماسی دفاعی کشور می‌دانند:

"سیاست خارجی ایران با همه‌ی دولت‌ها برحسب احترام متقابل است" (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج: ۴، ۲۲۹)

نظام اندیشه‌ای حضرت امام خامنه‌ای نیز با تأسی از آموزه‌های دینی و سیره‌ی عملی امام خمینی^(ره) بر ضرورت تقویت دیپلماسی دفاعی کشور در ارتباط با کشورهای که به حفظ احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی کشورمان مبادرت می‌نمایند، مبتنا یافته است:

"ارتباط دوجانبه باید برابر، دوستانه و همراه با احترام متقابل باشد و از دخالت در امور داخلی یکدیگر و نیز اعمال نفوذ خالی باشد." (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با توماس کستیل رئیس‌جمهور اتریش و هیأت همراه، ۱۳۷۸/۶/۳۰)

نهی ظلم و دفاع از مظلومان جهان

یکی از اصول اساسی مکتب توحیدی اسلام، حمایت از مظلومان و ستم‌دیدگان صرف‌نظر از نژاد، رنگ و دین آنها می‌باشد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حق و عدل را از حقوق طبیعی همه‌ی مردمان جهان قلمداد می‌کند. بنابراین، در عین خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند (اصل ۱۵۴ قانون اساسی). مبنای این اصل، آیه ۷۵ سوره‌ی نساء است که مسلمانان را خطاب قرار داده و از آنها می‌خواهد که در راه رهایی و آزادی مستضعفان به مبارزه با مستکبران بپردازند. از این جهت، مقام معظم رهبری با تفکیک اسلام آمریکایی از اسلام ناب محمدی^(ص)، یکی از اصول دیپلماسی دفاعی اسلام را حمایت از مظلومان و مستضعفان می‌دانند:

"اسلام ناب محمدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش‌ناپذیری با زورگویان و فتنه‌گران است." (پیام مقام معظم رهبری به کنگره عظیم حج، ۱۳۶۸/۴/۱۴)

استمرار اصل «نه شرقی نه غربی»

برتافتن سلطه مستلزم عدم وابستگی به نظام سلطه و عدم تعهد نسبت به قدرت‌های سلطه‌گر است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران در تنظیم روابط خارجی خود با سایر بازیگران، رویکرد نه شرقی نه غربی را ملاک و معیار قرار داده است. این رویکرد، بر اساس تدبیر رهبر معظم انقلاب، مبتنی بر اصول «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» است. مقام معظم رهبری این اصل را در زمره‌ی اصول تغییرناپذیر دیپلماسی دفاعی ایران دانسته‌اند:

"اینجانب با اعتماد و اطمینان به هوشیاری و قدرت تحلیل که بحمدالله به برکت انقلاب در میان اقشار مردم ما رایج است، لازم می‌دانم اعلام کنم که برخلاف ادعا و میل سخنگویان استکبار، خطوط اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که پایه عمده‌ی آن اصل نه شرقی و نه غربی است، تغییر نیافته و هرگز هم قابل تغییر نیست." (بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی^(ع)، ۱۳۷۰/۰۳/۱۳)

خودباوری ملی و خوداتکایی و دفاع هوشمندانه در مقابل تهدیدهای جدید

«اعتماد به نفس»^۱ و «خودکفایی»^۲ در زمره‌ی نشانه‌های انگیزش سازمان‌یافته کشورهای محسوب می‌شوند که ابزارها و مطلوبیت‌های متنوعی را در جهت حداکثرسازی قابلیت‌های اقتصادی، راهبردی و امنیتی در اختیار دارند. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران نیز باید تولید و گسترش قدرت ملی را در جهت عبور از وابستگی اقتصادی، فناورانه و نظامی سازماندهی نماید تا از این راه بتواند به ابزارهای مؤثرتری برای تولید قدرت نایل گردد. تحقق این امر نیازمند روحیه‌ی بالا و عزم راسخ است. (ترابی، ۱۳۸۹: ۹۹) شواهد نشان می‌دهد که در جمهوری اسلامی ایران، مقوله‌ی خودکفایی متأثر از ایدئولوژی اسلامی و هم‌چنین فرهنگ راهبردی کشور به‌عنوان بخشی از تلاش‌ها در راستای امنیت‌سازی و ارتقای قدرت نرم کشور مورد تأیید قرار گرفته است. به‌عنوان

۱. Self Confidence

۲. Self Sufficient

مثال، یکی از مظاهر جنبش نرم‌افزاری^۱ که مقام معظم رهبری بدان تأکید داشته‌اند، عرصه‌ی سیاست دفاعی کشور است. در دوران کنونی شرایط به‌گونه‌ای است که بدون برخورداری از علم و فناوری نمی‌توان به نیازهای راهبردی و اطلاعاتی کشور پاسخ داد. بنابراین، پیوستگی فناوری نرم و سخت، لازمه‌ی نیل به اهداف یک دولت می‌باشد.

مؤلفه‌ها و نشانه‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

بر مبنای داده‌ها و نتایج به‌دست آمده از بررسی اصول و مبانی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در گفتار دوم، به‌نظر می‌رسد ظرفیت‌های لازم برای توجیه و توجه به مؤلفه‌های نرم اقتدارآفرین و تولیدکننده‌ی قدرت نرم در مفاهیم بنیادین دفاع ملی وجود دارد. در این میان، با توجه به تأکید منابع هدایت‌کننده‌ی سیاست دفاعی ایران بر فناوری‌های نرم قدرت در عین پایبندی به فناوری‌های سخت، جایگاه دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یکی از مجاری فعال‌سازی قدرت نرم کشور در حوزه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی حائز اهمیت راهبردی است. بر این اساس، امکان تنظیم و فهرست‌بندی شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی فراهم می‌آید:

برخورداری از اقتدار معنوی

سازمان دفاعی ملی برای توفیق در زمینه‌ی طراحی و پیاده‌سازی الگوی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی، باید اقتدار و ظرفیت کافی داشته باشد. نخستین ظرفیت مهم و قابل اعتنا در این زمینه، قدرت دفاعی در درون یا اقتدار خود سازمان دفاعی از همه‌ی ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و همچنین مدیریت و سازماندهی است. به‌عبارتی، قدرت دفاعی در شرایطی می‌تواند نشانه‌های مبتنی بر جذابیت را در محیط خارجی به‌وجود آورد که سطح عمل و استقرارش در جامعه‌ی خودی و همچنین در عمل یعنی مواجهه با بحران‌ها و تهدیدات، اثربخشی جذب‌کننده را به بازیگر خارجی

۱. Software Movement

منتقل کرده باشد. (سعد، ۱۳۸۹: ۸۴) چنین نقشی در الگوی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در پرتو مؤلفه‌های اقتدار معنوی محقق می‌گردد. در این حوزه، قدرت نرم دیپلماسی دفاعی از طریق متنوع‌سازی حوزه‌های قدرت، زمینه‌های لازم برای استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی را به وجود می‌آورد.

استقلال و عدم تعهد به قطب‌های قدرت جهانی

جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی آموزه‌ها و اعتقادات اسلامی باید در مناسبات دیپلماتیک خود از روابط مبتنی بر سلطه اجتناب نماید. در این راستا، جهت‌گیری کلی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نشانه‌هایی از عدم تعهد شکل گرفته است. جهت‌گیری عدم تعهد در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به عنوان واکنشی به ائتلاف رژیم پیشین با کشورهای غربی و ایالات متحده تلقی می‌گردد. چنین رویکردی زمینه‌های لازم برای طرح «مقاومت انعطاف‌ناپذیر» به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران را فراهم نموده است. (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۹۶) «مقاومت» یکی از شاخص‌های هنجارگرایی و قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی منطقه‌ای می‌باشد. بر این اساس، به نظر می‌رسد که در میان دولت‌ها هیچ بازیگری به اندازه‌ی جمهوری اسلامی ایران در برابر نظام سلطه از خود پایداری نشان نداده است. الگوی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با قدرت‌های بزرگ نیز بر اساس نشانه‌هایی از همکاری و ائتلاف منطقه‌ای شکل گرفته است. تحت این شرایط، جمهوری اسلامی همواره بر تأمین امنیت منطقه‌ای به وسیله‌ی کشورهای منطقه تأکید داشته است.

به علاوه دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به منزله‌ی ابزاری کارآمد به منظور مقابله با سیاست‌های ایالات متحده از جمله فرایند جنگ نرم، سیاست سیطره‌جویی و دیپلماسی اجبارآمیز^۱ دانست. (متقی، ۱۳۸۵: ۱۳۰) در همین ارتباط، دیپلماسی دفاعی از طریق تصویرسازی نرم، نسبت به اقدام‌های کشور در حوزه‌ی نظامی اعتمادسازی لازم را انجام

۱. Coercive diplomacy

می‌دهد. اساس تحقق قدرت بازدارندگی در انتقال شفاف نیت و مقاصد و ایجاد اعتماد متقابل می‌باشد.^۱ در این بخش دیپلماسی دفاعی می‌تواند با تقویت «اعتبار» و وجهی کشور، ضمن گره زدن امنیت و منافع اعضای منطقه به یکدیگر، از شکل‌گیری ائتلاف‌ها بر علیه کشورمان در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی جلوگیری به عمل آورد. مؤلفه‌ی یادشده را می‌توان انعکاسی از شاخص «امنیت‌سازی» در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران دانست.

الهام بخشی

گرچه جهت‌گیری کلی سیاست دفاعی و دیپلماسی دفاعی ایران براساس نشانه‌هایی از عدم تعهد شکل گرفته است، اما چنین فرایندی را می‌توان معطوف به چگونگی تعامل ایران با قدرت‌های بزرگ دانست. الگوی رفتاری ایران با بازیگران منطقه‌ای و گروه‌های اجتماعی، مبتنی بر الهام‌بخشی بوده است. (متقی و همکاران، زمستان ۱۳۹۱: ۵۲) الهام‌بخشی از ظرفیت بیش‌تری در قیاس با قدرت نرم برای رساندن پیام دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. الهام‌بخشی به‌جای مغزها اغلب متوجه قلب‌هاست و با قلب‌ها سخن می‌گوید و از این‌رو، می‌کوشد بنا بر اصل «آنچه از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند»، عمل کند. (قهرمانپور، بهار ۱۳۸۹: ۱۵۹)

الگوی رفتاری مبتنی بر الهام‌بخشی در بسیاری از اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، لازمه‌ی الزام‌بخشی، اثربخشی و پیشرو بودن، داشتن روابط سازنده با کشورهای جهان و ارائه‌ی الگوی جامعه‌ی دینی (مردم‌سالاری دینی) است. تحت این شرایط، ایدئولوژی اسلامی را می‌توان به‌منزله‌ی اصلی‌ترین منبع قدرت نرم انقلاب اسلامی تلقی کرد. این مقوله، از یک سو ذاتاً خصلت فرهنگی دارد و زبان مشترک مسلمانان جهان به‌شمار می‌رود و از سوی دیگر، شالوده‌ساز ویژگی فراملی انقلاب ایران است که می‌تواند از این طریق با مسلمانان جهان ارتباط برقرار نموده و ارزش‌های معنوی و دینی و سیاسی خود را به آنها منتقل نماید. از این زاویه، انقلاب ایران به جای قائل شدن به صدور فیزیکی و خشونت‌آمیز انقلاب، بر عناصر فرهنگی و

۱. کشورهایی مانند سنگاپور سیاست بازدارنده‌ای را اتخاذ کرده‌اند که از طریق دیپلماسی پشتیبانی می‌گردد.

صدور ارزش‌های انقلاب تأکید دارد. ظهور بیداری اسلامی غرب آسیا و شمال آفریقا به‌عنوان نقطه‌ی عطفی در روند دیپلماسی دفاعی ایران را باید در ارتباط با مؤلفه‌ی یادشده مورد ملاحظه قرار داد.

میراث فرهنگی

تاریخ نشان می‌دهد که توانایی نظامی و قدرت دفاعی کشورها با میراث فرهنگی آنها ارتباط نزدیک داشته است. (جانی‌پور، ۱۳۹۰: ۵۰) در این ارتباط، می‌توان عواملی را مورد توجه قرار داد که از طریق بسترسازی برای تأثیرگذاری یک بازیگر بر رفتار سایر کنشگران، قدرت نرم دیپلماسی دفاعی کشورها را به میزان قابل ملاحظه‌ای ارتقا بخشیده‌اند. تحت این شرایط، دین و ایدئولوژی مشترک می‌تواند بسترهای لازم جهت تقویت دیپلماسی دفاعی کشورها را فراهم نماید. فرهنگ اسلامی، گزاره‌های ارزشی و هنجاری مشترکی میان ایران و بسیاری از جوامع دیگر (به‌ویژه کشورهای مسلمان) پیش رو می‌نهد که در پرتو آن بستر مناسبی برای درک متقابل و همبستگی و همراهی با اهداف جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌شود. (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲۲)

عامل دیگری که در بسط نفوذ هر کشور نقش اساسی دارد، هویت‌بخشی و الگوبودن در رابطه با سایر کشورها است. الگوپردازی را می‌توان مرحله‌ی دوم در تولید قدرت نرم دانست. در این مرحله، اعمال‌کننده‌ی قدرت باید بتواند خود را به‌عنوان مظهر انگاره‌های مطلوب معرفی کند تا دیگران را به دنباله‌روی از خود ترغیب نماید. (عیوضی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۱۹) از این جهت، الگوی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ابزاری کارآمد برای جایگزینی با سازوکارهای امنیتی منطقه‌ای مورد توجه قدرت‌های بزرگ می‌تواند سبب ارتقای ظرفیت تولید قدرت نرم کشور شود.

عامل دیگری که سبب گسترش نفوذ کشورها می‌شود، زبان است. زبان مشترک می‌تواند بستر مناسبی را به‌منظور توسعه‌ی دیپلماسی دفاعی ایجاد کند. از این جهت، جمهوری اسلامی ایران از فرصت مناسبی برای ایجاد همکاری‌های دفاعی با کشورهای فارسی‌زبان منطقه برخوردار است. زبان فارسی گرچه در سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان به‌عنوان زبان

رسمی محسوب می‌شود، اما در کشورهایی مانند عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان نیز گروه‌هایی از فارسی‌زبانان حضور دارند.

سوابق افتخارآمیز دوران دفاع مقدس

دوران دفاع مقدس به‌عنوان یکی از نقاط عطف تاریخی در روند قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. مؤلفه‌هایی مانند حمایت نیروهای الهی، مقاومت پایدار و تسلیم‌ناپذیر، رسیدن به استقلال یا نفی وابستگی و سلطه، ایثارگری و شهادت‌طلبی را می‌توان در زمره‌ی مشخصه‌های مهم فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران دانست که جنگ تحمیلی زمینه‌ی بازتولید و قوام‌یابی آنها را فراهم نمود. (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۴۳) حقیقت جنگ تحمیلی که در تاریخ انقلاب‌ها طولانی‌ترین جنگ بر ضد یک انقلاب به‌شمار می‌آید، به این جهت که جامعه جهانی تحولات آن را دنبال می‌کرد، بستر مناسبی برای صدور انقلاب بود. بر این اساس، جنگ تحمیلی به‌منزله‌ی فرایندی محسوب می‌شود که بسترهای لازم برای انعکاس نشانه‌ها و روندهای قدرت نرم دیپلماسی دفاعی ایران در پهنه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌وجود آورد. حضرت امام خمینی^(ره) در تبیین نشانه‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران این موضوع را مورد تأکید قرار دادند که ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر کردیم. این رویکرد به مفهوم استمرار سیاست صدور انقلاب در بحبوحه‌ی دوران جنگ تحمیلی محسوب می‌شود. این ویژگی باعث گردید تا جنگ تحمیلی از بزرگ‌ترین تهدید سخت‌افزاری در طول تاریخ جمهوری اسلامی به یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های نرم‌افزاری آن برای تداوم و تثبیت گفتمان صدور انقلاب تبدیل شود. بر همین مبنا بود که امام خمینی^(ره) همانند صدور انقلاب، از صدور تجربه‌های مبارزه و دفاع به تمام جهان سخن گفته‌اند:

"ما به تمام جهان تجربه‌های مان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست." (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۸۳)

هویت اسلامی- ایرانی و یکپارچگی ملی

یکی از عناصر تأثیرگذار بر مقوله‌ی دفاع، عنصر هویت و یکپارچگی ملی است؛ هر ملت زمانی می‌تواند از خود و ارزش‌ها و استقلال و تمامیت ارضی خود دفاع کند که دارای هویت ملی متمایز و مشخص باشد. هویت ملی را می‌توان معرف یک کشور و مردمان آن در نظام بین‌الملل دانست. این عنصر موجبات همبستگی و یکپارچگی ملی را به وجود می‌آورد. جمهوری اسلامی ایران نیز با هویت اسلامی- ایرانی خود شناخته می‌شود که عناصر و مؤلفه‌های آن در قانون اساسی، به‌عنوان سندی فرادستی انعکاس یافته است. (قهرمانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶۳) در یک سطح کلی، وحدت و یکپارچگی ملی مبنای اصلی اقتدار ایران اسلامی را شکل می‌دهد. حال آن‌که اتحاد و همدلی خود سطوح مختلفی دارد؛ در این خصوص، می‌توان به وحدت و همبستگی ملی، همبستگی دولت و ملت، و وحدت و همبستگی ملت‌های مسلمان اشاره داشت. در ارتباط با دو سطح نخست می‌توان گفت در طول انقلاب تا امروز مهم‌ترین سد نفوذ دشمنان به ایران، وحدت با محوریت قانون، رهبری، نظام مقدس جمهوری اسلامی و ولایت فقیه بوده است. (جانی‌پور، ۱۳۹۰: ۵۳) از سوی دیگر، وحدت و همدلی امت اسلامی زمینه‌ساز انسداد نفوذ دشمنان خارجی به جبهه خودی شده و چنین شرایطی به منزله‌ی توسعه سازوکارهای دیپلماسی دفاعی در سطح جهان اسلام خواهد بود.

افزون بر این، صلح‌محوری را باید یکی از اجزای اصلی قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران دانست. در دین مبین اسلام همواره اصل بر صلح و برقراری روابط مسالمت‌آمیز با دیگر ملل بوده و جنگ به‌عنوان ابزاری نکوهیده شمرده شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز در این چارچوب به برقراری روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مبادرت نموده و آن را به‌عنوان یکی اصول راهبردی دیپلماسی دفاعی خود مورد توجه قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌ی بین‌المللی و تعامل با کشورهای دیگر، اعم از مسلمان و غیرمسلمان در ۳۰ سال گذشته، رفتاری مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه به نمایش گذاشته است؛ به گونه‌ای که جمهوری اسلامی نه تنها دست به

توسعه‌طلبی و تجاوزگری نزده، بلکه همواره آن را تقبیح و محکوم کرده است. بنابراین، اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر صلح و ثبات بین‌المللی و منطقه‌ای بوده و جنگ یک استثناست. (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۵) مطابق این تحلیل، تقویت و تحکیم قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف دفاعی بوده و فاقد جنبه‌های تهاجمی است.

مردمی‌سازی دفاع در قالب دکترین «دفاع همه‌جانبه»

وقوع انقلاب اسلامی، تغییرات گسترده‌ای را در حوزه‌های گوناگون اعم از سیاسی، اجتماعی و... به‌وجود آورد. در این میان نظر به ماهیت مردمی انقلاب اسلامی و متأثر از آموزه‌های اسلامی، رهنامه‌ی «بسیج عمومی» توسط بنیان‌گذار جمهوری اسلامی طرح‌ریزی گردید. تحت این شرایط، «مردمی‌سازی» کارها و حضور و نقش‌آفرینی مردم به حوزه‌های امنیتی - دفاعی نیز گسترش پیدا کرد. در پرتو چنین وضعیتی، پشتوانه‌ی عمیق و گسترده‌ای برای ایجاد و نهادینه‌سازی امنیت پایدار در مقابل تهدیدهای داخلی، خارجی و طبیعی به‌وجود آمد.

در پهنه‌ی بین‌المللی، پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح‌گردیدن انگاره‌های مفهومی آن، یعنی نه شرقی نه غربی، استقلال و عدم وابستگی به بیگانگان، سبب دگرگونی بسیاری از معادله‌های منطقه‌ای و جهانی گردید. بر این اساس، مقابله با انقلاب اسلامی با توجه به پایه‌های متنوع و متکثر قدرت آن، در حوزه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. این روند با گذشت زمان، شدت و پیچیدگی بیش‌تری پیدا کرده است. در سال‌های نخست، کانون تهدیدها متوجه موجودیت فیزیکی نظام جمهوری اسلامی و اغلب از نوع نظامی بودند، اما با شکست چنین تهدیدهایی در عمل (از جمله در جریان جنگ تحمیلی) بهره‌گیری از روش‌های نوین که عمدتاً در قالب سازوکارهای نرم‌افزاری ادراک می‌گردد، در کانون توجه و عملکرد قرار گرفته است. در تهدید نرم، کشور مهاجم می‌کوشد بدون استفاده از ابزارهای خشن، اعمال قدرت کند و مدیریت افکار عمومی کشور مورد تهاجم را در راه نیل به هدف‌های خود بر عهده گیرد. در مقایسه با تهدیدهای سنتی، تهدیدهای جدید از تنوع و پیچیدگی بیش‌تری برخوردار می‌باشند. بر این اساس، در برابر «تهاجم همه‌جانبه» قدرت‌های استکباری، «دفاع همه‌جانبه» از انقلاب مطرح شد. (کیوان‌حسینی، زمستان ۱۳۸۴: ۱۱)

یکی از بایسته‌های رویارویی با چنین محیطی آن است که متناسب با ظهور فناوری‌های نوین و تغییر ماهیت تهدیدها، راهبرد دفاع همه‌جانبه نیز به‌روز گردد. جامعیت و فراگیری رهنامه‌ی دفاع همه‌جانبه، امکان مقابله با تهدیدهای نوین را ایجاد می‌سازد. از این زاویه، دفاع همه‌جانبه را می‌توان در معنای درگیر نمودن و به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌ها، مقدرات و عناصر قدرت ملی به‌منظور مواجهه با تهدیدها و مقابله با هرگونه تهاجم دشمنان داخلی و خارجی به‌کار گرفت. در واقع، کاربست راهبرد دفاع همه‌جانبه را می‌توان انعکاس قدرت هوشمند^۱ جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی دفاعی - امنیتی دانست.

«پیوستگی مردم و حکومت» نیز به‌نوعی نمایانگر عنایت به قدرت نرم در سطح ملی است که با اشاعه‌ی آن به سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان شاهد تقویت دیپلماسی دفاعی کشور بود. این موضوع را می‌توان در ارتباط با مردمی‌سازی هرچه بیشتر مقوله‌ی دفاع و امنیت برای بهره‌مندی از آمادگی کامل در مواجهه با تهدیدها دانست. از آنجا که عمق راهبردی هر نظام باثبات، مردم هستند، از این‌رو، عنصر اصلی و ثابت در وضعیت‌های آفندی و پدافندی هم مردم می‌باشند. به‌عبارتی، دفاع/تهاجم بدون حمایت مردم قرین موفقیت نخواهد بود. (عسگری، ۱۳۹۰: ۵۴) از این زاویه، ایجاد ارتباط میان بخش‌های دفاعی و لایه‌های مردمی علاوه بر ایجاد مشروعیت می‌تواند به تأمین پایدار نیروی انسانی و افزایش قدرت و توانایی‌های نظامی کشور منجر شود. بی‌شک مشروعیت، این امکان را برای نیروهای مسلح به‌وجود می‌آورد تا در روند ارتقای قابلیت‌های قدرت نرم ملی، به ایفای نقش مؤثر و کارآمد مبادرت نمایند. (Jones, July 2010: 5) اهمیت این امر باعث گردیده تا اسناد راهبردی ملی جمهوری اسلامی ایران (از جمله برنامه‌ی پنجم توسعه^۲ و سند چشم‌انداز بیست‌ساله) به‌وضوح بر حفظ و ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی کشورمان تأکید داشته باشند.

۱. Smart Power

۲. در راستای اجرایی‌سازی هدف‌های سند چشم‌انداز و به‌کارگیری سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم، قانون برنامه‌ی پنجم با طول زمانی پنج ساله (۱۳۹۴-۱۳۹۰) بعد از تهیه و تدین توسط قوه‌ی مجریه در تاریخ پانزدهم دی‌ماه سال ۱۳۸۹ در قالب ۹ فصل و ۲۳۴ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

نتیجه‌گیری

تبیین این موضوع که نیروهای مسلح و تجهیزات نظامی یک کشور در چه بستری و چگونه و چرا به کار گرفته می‌شوند، می‌تواند منجر به تصویرسازی مثبت از این نیروها و در نتیجه ارتقای قدرت نرم گردد. در عرصه‌ی بین‌المللی، تولید قدرت نرم منجر به اعتمادآزایی، اطمینان‌بخشی، تنش‌زدایی و کاهش تهدید و ارتقای بازدارندگی می‌گردد. نشانه‌های چنین روندی را می‌توان در پرتو فعال‌سازی دیپلماسی دفاعی مورد توجه قرار داد. قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان برآیند پیوند اندامواره‌ی دیپلماسی دفاعی اسلامی، ساختارهای تصمیم‌گیرنده‌ی دفاعی کشور، الزامات شکل‌بندی‌های امنیت منطقه‌ای و نیازهای ایفای نقش ایران در سیاست جهانی دانست. بر این مبنای، مفروضه‌های مقاله‌ی حاضر مؤید آن است که دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به جهت بازتولید نشانه‌های قدرت نرم از زمینه‌های مستعدی برای ایفای نقش مؤثر و کارآمد در حوزه‌ی راهبردی برخوردار است. این نشانه‌ها را می‌توان در روند تقویت و ارتقای مؤلفه‌هایی مانند برخورداری از اقتدار معنوی، استقلال و عدم تعهد به قطب‌های قدرت جهانی، الهام‌بخشی، میراث فرهنگی، مردمی‌سازی دفاع در قالب دکترین «دفاع همه‌جانبه»، هویت اسلامی-ایرانی و یکپارچگی ملی، سوابق افتخارآمیز دوران دفاع مقدس، بازدارندگی نرم و تعمیق بصیرت و دشمن‌شناسی شاخص‌سازی کرد.

کنشگری فعال و مؤثر کشورمان در این حوزه را باید بخشی از الزامات محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران دانست که تهدیدات در آن، ماهیتی پیچیده و متنوع دارند. از این زاویه، جمهوری اسلامی ایران همواره بر توسعه‌ی تعاملات و همکاری دفاعی به‌عنوان یک ابزار مهم قدرت ملی که منجر به تحقق صلح، امنیت و شکوفایی اقتصادی نه‌تنها برای ایران، بلکه برای کل منطقه و جهان می‌شود، تأکید داشته است. از آنجا که ایجاد امنیت و ثبات پایدار همه‌جانبه تنها از طریق مشارکت کشورهای منطقه امکان‌پذیر است، ایران چنین روندی را در گرو تحقق الگوی «امنیت‌سازی بومی

از طریق مشارکت کشورهای منطقه^۱ می‌داند. در این حوزه، اتخاذ اقدامات اعتمادساز و همیاری با کشورهای منطقه جهت تأمین امنیت دسته‌جمعی با تکیه بر الگوی مزبور در کنار فعال‌سازی دیپلماسی خلع سلاحی جمهوری اسلامی ایران به منظور شفاف‌سازی و تقویت اعتماد مقابل میان کشورهای منطقه را باید به‌عنوان یکی از رؤوس دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دستورکار قرار داد. در پرتو چنین رویکردی، امکان جایگزین نمودن چالش‌های ضدامنیتی در محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران با فرصت‌ها و عناصر امنیت‌ساز به‌وجود می‌آید.

از جهتی دیگر، سازماندهی عناصر قدرت یک کشور و ترکیب آنها در راستای حصول حداکثر دستاوردهای احتمالی در درجه‌ی نخست مستلزم بهره‌برداری بهینه از منابع و ابزارهای قدرت می‌باشد. بدین منظور یک دیپلماسی دفاعی مطلوب می‌تواند بسترهای لازم را برای تولید و گسترش امنیت نرم کشور فراهم آورد. در مجموع، جمهوری اسلامی ایران از طریق گسترش و تقویت نشانه‌های نرم‌افزارانه‌ی دیپلماسی دفاعی، می‌تواند:

- ۱) با ارتقای جایگاه خود، توازن و تعادل راهبردی را در منطقه برقرار کند. در این بخش با اتخاذ یک سیاست امنیتی- دفاعی هوشمند و کارآمد، می‌توان ضمن ارتقای توان دفاعی کشور در همه‌ی ابعاد اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، ضریب امنیتی کشور را در ابعاد گوناگون بهبود و تکامل بخشید (کارویژه‌ی امنیت‌سازی دیپلماسی دفاعی).
- ۲) با دستیابی به موقعیت برتر، ایران می‌تواند بازیگران آشوب‌ساز را با همکاری دیگر کشورهای منطقه مجازات کند (کارویژه‌ی قدرت‌سازی دیپلماسی دفاعی).
- ۳) ایران می‌تواند با سازماندهی هژمونی درون‌زا، جایگاه سلسله‌مراتبی کشورها را مشخص کند.
- ۴) ایران می‌تواند خود و دیگر کشورهای منطقه را در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای، حفظ و حراست کرده و با توجه به موقعیت برتر خود، اجازه ندهد منافع ملی و

۱. Regional Security Partnership

ارزش‌های حیاتی آن توسط دیگران مورد تهاجم قرار گیرد. شواهد نشان می‌دهد که یک دیپلماسی دفاعی موفق می‌تواند در ایجاد منافع دفاعی مشترک با کشورهای درگیر در منظومه‌ی امنیتی کشور نقش مهم و اساسی ایفا نماید.

منابع

فارسی

- ۱- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور، ج ۴، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۲- بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، (۱۳۷۰/۳/۱۳).
- ۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با توماس کلسیتل رئیس جمهور اتریش و هیأت همراه، (۱۳۷۸/۶/۳۰).
- ۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، (۱۳۸۰/۳/۲۰).
- ۵- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران در دیگر کشورها، (۱۳۸۶/۵/۳۰).
- ۶- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، (۱۳۸۶/۶/۲۳).
- ۷- بیانات فرماندهی معظم کل‌قوا در دیدار فرماندهان ارتش، (۱۳۸۷/۱/۲۸).
- ۸- بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، (۱۳۸۹/۹/۱۱).
- ۹- بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم (ص) و هفته وحدت، (۱۳۹۰/۱۱/۱۱).
- ۱۰- پیام مقام معظم رهبری به کنگره عظیم حج، (۱۳۶۸/۴/۱۴).
- ۱۱- پیام مقام معظم رهبری به خانواده‌های شهدا و ایثارگران در آستانه‌ی هفته‌ی دفاع مقدس، (۱۳۶۸/۶/۲۳).
- ۱۲- ترابی، طاهره (۱۳۸۹)، بازخوانی قدرت نرم (با تأکید بر فرهنگ ایرانی-اسلامی)، دز: اصغر افتخاری و همکاران، قدرت نرم و سرمایه‌ی اجتماعی (با تأکید بر بسیج)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۳- ترابی، طاهره (۱۳۸۹)، «رهیافت‌های متعارض جنگ نرم در کنش راهبردی قدرت‌های بزرگ»، فصلنامه‌ی آفاق امنیت، سال سوم، شماره‌ی ۷، تابستان.
- ۱۴- جانی‌پور، محمد (۱۳۹۰)، دفاع مقدس و قدرت نرم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۵- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۶- ساعد، نادر (۱۳۸۹)، «دیپلماسی دفاعی؛ تأملی شناختی و کاوش در مبادی»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره‌ی ۳۱، زمستان.

- ۱۷- ساعد، نادر و قاسم علیدوستی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواری الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره‌ی ۳۴، پاییز.
- ۱۸- سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۰)، تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر فرهنگ راهبردی، در: عسگری، محمود (گردآورنده)، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، نامه‌ی دفاع، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره‌ی ۲۶.
- ۱۹- عسگری، محمود (۱۳۹۰)، قدرت‌افکنی؛ الزامی برای بازدارندگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۰- عسگری، محمود و حسن سعیدکلاهی (۱۳۹۱)، «گفتمان دیپلماسی دفاعی در اسلام و مقایسه‌ی آن با دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، دوماهنامه‌ی اطلاعات راهبردی، سال دهم، شماره‌ی ۱۱۱، مرداد و شهریور.
- ۲۱- عیوضی، محمدرحیم و اعظم امامی (۱۳۹۰)، «فرایند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه‌ی امام خمینی(ره)»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره‌ی ۳، پاییز.
- ۲۲- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱)، «فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره‌ی ۳، پاییز.
- ۲۳- قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۵)، «اهداف و سطوح دیپلماسی دفاعی (مطالعه‌ی موردی ترکیه و مصر)»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۴، زمستان.
- ۲۴- قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۹)، «تقدم الهام‌بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان ج.ا.ایران در جهان اسلام»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره‌ی ۲۸، بهار.
- ۲۵- قهرمانی‌نژاد، بهاء‌الدین و همکاران (۱۳۹۴)، «بررسی مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی در چارچوب فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران (با رویکردی بر دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای)»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره‌ی ۲، تابستان.
- ۲۶- کیوان‌حسینی، سیداصغر (۱۳۸۴)، «جایگاه مقوله‌ی دفاع همه‌جانبه در اندیشه‌ی فقهی- سیاسی امام خمینی(ره)»، فصلنامه‌ی مطالعات بسیج، سال هشتم، شماره‌ی ۲۹، زمستان.
- ۲۷- متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «فرایندهای تحول در ساختار و کارکرد دیپلماسی دفاعی آمریکا»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۴، زمستان.
- ۲۸- متقی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۱)، «نشانه‌ها و کارکردهای دیپلماسی دفاعی پویا»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره‌ی ۴۰، زمستان.
- ۲۹- موسوی، سیدصدرالدین و سیدمحمد جواد قربی (۱۳۹۲)، «الهام‌بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، دوفصلنامه‌ی مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره‌ی ۹.
- ۳۰- نای، جوزف (۱۳۸۹)، قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه‌ی مهدی ذوالفقاری و سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

- 31- Asgari, Mahmoud (Winter-Spring 2012), Iran's Defense Diplomacy, Discourse: An Iranian Quarterly, Vol. 10, No 1-2.
- 32- Copeland, Daryl and Evan H. Potter (October 2008), Public Diplomacy in Conflict Zones: Military Information Operations Meet Political Counter-Insurgency, The Hague Journal of Diplomacy, Vol. 3, No.3.
- 33- Cottey, Andrew and Anthony Forster (2004), Reshaping Defence Diplomacy: New Roles for Military Cooperation and Assistance, Oxford, Oxford University Press, Adelphi Papers, Vol. 44, No. 365.
- 34- Jones, phil (July 2010), The Military Contribution To Soft Power: A Comparative Analysis, United Kingdom Ministry of Defence, Royal College of Defence Studies.
- 35- Koerner, Wolfgang (17 May 2006), Security Sector Reform: Defence Diplomacy, available at: <http://www.parl.gc.ca/Content/LOP/researchpublications/prb0612-e.htm>
- 36- Pape, Robert (2005), Soft Balancing against the United States, International Security, Vol.30, No.1.
- 37- UK Ministry of Defence, (2001), Defence Diplomacy, Policy Paper, No. 1.
- 38- Weng, Woo Hon (23-25 June 2010), Soft Power of Defence Diplomacy: A New Approach in Engaging Myanmar, Draft Paper for Presentation at the International Symposium on Myanmar: 2010 Elections and Beyond Sponsored by the University of Hong Kong, Hong Kong, Yunnan University and the Konrad Denauer Stiftung.